



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۳۳

جلسه: ۳۳

موضوع کلی: اعجاز قرآن

موضوع جزئی: آیات مربوط به اخبار از غیب

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در وجوه اعجاز قرآن بود، عرض کردیم یکی از وجوه اعجاز قرآن اخبار از غیب است و به این سؤال پاسخ دادیم که چرا اخبار از غیب یکی از وجوه اعجاز قرآن است، بحث به اینجا رسید که در قرآن آیات زیادی درباره غیب وارد شده که ما می‌توانیم آنها را به دو قسم تقسیم کنیم، در بخشی از آیات به صراحت همین عنوان اخبار از غیب آمده؛ یعنی سخن از اخبار از غیب به همراه تحدی است و در بخشی از آیات هم مصادیق اخبار از غیب اشاره شده بدون اینکه همراه با تحدی باشد.

اما از قسم اول به چند آیه می‌توان اشاره کرد:

آیه اول: آیه شریفه: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ ۗ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا ۗ فَاصْبِرْ ۗ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ»^۱، در این آیه به صراحت تعبیر انباء الغیب ذکر شده که خداوند متعال خطاب به حضرت نوح مطالبی را در رابطه با امم گذشته فرموده است که از نعمت‌هایی بهره‌مند بودند و بعد گرفتار عذاب الهی شدند و بعد از ذکر آن اخبار خداوند متعال می‌فرماید: این از اخبار غیب است که ما به تو وحی کردیم و نه تو و نه قوم تو قبل از گفتن ما اطلاع بر آنها نداشتید.

آیه دوم: آیه شریفه: «ذٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ»^۲، در این آیه هم سخن از اخبار از غیب است و لسان آیه مثل آیه قبلی است که ما اخبار از غیب را به تو وحی کردیم در حالی که شما از این اخبار اطلاع نداشتید و آنها همه تلاش خود را بکار گرفته و مکر و حيله بکار بردند اما در عین حال موفق نشدند.

آیه سوم: آیه شریفه: «ذٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ»^۳، این آیه هم درباره حضرت مریم نازل شده که وقتی داستان حضرت مریم پیش آمد عده‌ای از علماء یهود این موضوع نزاع کردند که کدام یک سرپرستی حضرت مریم را به عهده بگیرند و به این منظور قلم‌های خودشان را انداختند تا ببینند کدام یک از آنها می‌توانند سرپرستی حضرت مریم را به عهده بگیرند، این آیه می‌فرماید: از انباء غیب است که ما به تو وحی کردیم در حالی که آنها از این اخبار اطلاع نداشتند.

۱. هود/۴۹.
۲. یوسف/۱۰۲.
۳. آل عمران/۴۴.

این سه آیه در این جهت مشترکند که در هر سه به صراحت سخن از انبَاء الغیب به میان آمده است و خداوند متعال در این سه آیه تحدی می‌کند و خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید که نه تو و نه قوم تو از این امور اطلاع نداشتید و این اخبار از غیب به صورت وحی بر تو نازل شد. این در واقع یک نحوه تحدی به خبر دادن از غیب با دیگران است یعنی ما چیزی را می‌گوییم که هیچ کس نمی‌داند و تحدی به اخبار از غیب یکی از وجوه اعجاز قرآن است.

این نکته را توجه داشته باشید که در آیه شریفه «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ...»^۱ اسم اشاره و ضمیر در نوحیها مؤنث آمده است ولی در آیه شریفه «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ...»^۲ و هم چنین آیه «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ...»^۳ اسم اشاره و ضمیر مذکر آمده است که جای این سؤال هست که چرا در یک آیه ضمیر و اسم اشاره به صورت مؤنث آمده و در دو آیه دیگر به صورت مذکر آمده است؟

اما قسم دوم آیات، آیاتی است که به صراحت عنوان اخبار از غیب در آنها ذکر نشده لکن نمونه‌ها و مصادیقی از اخبار از غیب در آنها ذکر شده است که به نمونه‌هایی از این قسم آیات اشاره می‌کنیم:

آیه اول: آیه شریفه: «الم، غُلِبَتِ الرُّومُ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ، فِي بَضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ ۗ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ، بِنَصْرِ اللَّهِ ۗ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»^۴، در این آیات عنوان انباء از غیب نیامده اما دو خبر از غیب داده که بعداً محقق شده است؛ یکی غلبه روم بر فارس که تقریباً بعد از گذشت ۱۰ سال از نزول این آیات اتفاق افتاد و دیگری خبر فرح و شادمانی مؤمنین به یاری خداوند متعال بود، اینکه خداوند مؤمنین را یاری کرد و این سبب خشنودی آنها شد.

آیه دوم: آیه شریفه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»^۵، این آیه زمانی نازل شد که کسی تصور فتح مکه و دخول مسلمین و مؤمنین در مسجد الحرام را نمی‌کرد اما این اتفاق افتاد و خداوند متعال خبر این فتح را در قرآن داده است.

آیه سوم: آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْهِ ۗ مَعَادٌ»^۶، آنچه که در این آیه آمده در واقع سخن از رجوع پیامبر(ص) و دخول مسلمین به معاد او یعنی مسجد الحرام است و آن زمانی که قرآن بحث از این مسئله را مطرح کرد کسی گمان نمی‌کرد که یک روزی فرا خواهد رسید که پیامبر(ص) دوباره به مسجد الحرام برمی‌گردد و مسلمین هم به معاد او برگردند.

۱. هود/۴۹.
۲. یوسف/۱۰۲.
۳. آل عمران/۴۴.
۴. روم/۵-۲.
۵. فتح/۲۷.
۶. قصص/۸۵.

آیه چهارم: آیه شریفه: «أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ، سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبَرَ»^۱، این آیه در روز جنگ بدر نازل شده که ابوجهل در صف اول قتال ایستاد و با غرور و تکبر فریاد زد که ما امروز پیروز می‌شویم. این سخن وحشتی را در دل مسلمین ایجاد کرد و در این جا بود که این آیه شریفه نازل شد و از انهدام کفار و متفرق شدن آنها خبر داد و با اینکه شرائط به گونه‌ای نبود که پیروزی مسلمین قابل پیش بینی باشد چون مسلمین از نظر تعداد قلیل بودند و عده و عده نداشتند و کل افراد مسلمین ۳۱۳ نفر بودند و از این تعداد هم فقط دو نفر سواره بودند و بقیه پیاده بودند اما در مقابل کفار چند برار مسلمین بودند و اکثراً هم سواره بودند و به حسب محاسبات ظاهری احتمال شکست آنها نبود لکن خداوند متعال خبر از پیروزی مسلمین داد و بعد از مدت کمی هم صدق ادعای پیامبر(ص) که بر اساس این آیه شریفه خبر از پیروزی مسلمین داده بود آشکار شد.

آیه پنجم: آیه شریفه: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»^۲ که این آیه شریفه هم خبر از این می‌دهد که خداوند پیامبر(ص) را در مقابل کسانی که او را استهزاء می‌کنند کفایت می‌کند و واقعاً هم همین گونه شد و عاقبت همه آنها خوار و ذلیل شدند.

آیه ششم: آیه شریفه: «لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ»^۳ که در این آیه شریفه هم خبر از این داده شده که خداوند تو(پیامبر(ص)) را از شر دشمنان حفظ خواهد کرد که آخر الامر پیامبر(ص) از شر دشمنان محفوظ ماند و بر همه آنها پیروز شد.

آنچه ذکر شد مواردی از آیاتی بود که خبر از غیب داده شد و بعداً هم اتفاق افتاده است اما بخشی از آیات هم در قرآن وجود دارد که خبر از غیب می‌دهد لکن هنوز اتفاق نیفتاده است مثل آیه شریفه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۴ که اشاره به آخر الزمان و حضرت حجه بن الحسن العسکری(عج) دارد که هنوز واقع نشده است. سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا این قسم از آیات که هنوز وقوع آن ثابت نشده را می‌توان از وجوه اعجاز قرآن دانست یا خیر؟

به هر حال آیات متعددی در قرآن وجود دارد که یا به صراحت اخبار از غیب داده و یا به مصادیق و مواردی از اخبار از غیب اشاره کرده است لذا در مجموع این نتیجه حاصل می‌شود که اخبار از غیب یکی از وجوه اعجاز قرآن است.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. قمر/۴۵-۴۴.

۲. حجر/۹۶-۹۴.

۳. مائده/۷۰.

۴. نور/۵۵.